

اهمیت انتخاب الگو در نظام تربیتی قرآن

عسکری اسلامپور

خداوند متعال امکانات لازم را در دنیا به گونه ای در اختیار بشر قرار داده که انسان قادر است جهان درون و برون خویش را به شایستگی بشناسد و شرایط مساعد و مناسب برای زندگی و بقای خود را شناسایی و فراهم کند، و چنانچه در این کار تعلل ورزد و استعدادهای خود را کشف نکند، مسلماً نمی تواند در جهت باروری آن برنامه ریزی کند؛ و در نتیجه، زندگی پرمشقت و رنج آوری خواهد داشت. مهمترین و کاربردی ترین نوع شناخت و یادگیری در همه دوران زندگی، «سرمشق گیری و الگوپذیری» است.

انسان با انتخاب الگو یا سرمشق، به تقلید رفتار او می پردازد. علاوه بر الگوهای زنده، که محیط تربیتی مساعد را ایجاد می کنند، اسوه های اخلاقی و انسانی گذشته، موجب حیات مجدد انسان شده و نقش عظیمی در سازندگی وی ایفا می کنند.

ترسیم چهره دقیق و کاربردی و در عین حال، محبوب و دوست داشتنی اسوه ها برای همگان می تواند جای خالی الگوهای مورد نیاز را در محیط و ذهن و روحشان پر کند تا بتوانند به تدریج با آنان همانندسازی کنند. قرآن کریم برای تزکیه و تربیت نفسانی بشر الگوهای ارزشمندی را که در صفات برجسته انسانی ممتاز بودند، معرفی می کند و این، یکی از روشهای تربیتی آن است. به تعبیر دیگر، اگر قرآن به توحید و عدالت و صداقت و صبر و تحمل و اخلاص و دیگر صفات نیک و عقاید حسنه دعوت می نماید؛ قبل از آن، افرادی را که در این صفات و خصال برتر و بهتر از همه بودند، به جامعه انسانیت معرفی می کند. یعنی به جای ذکر صفت، موصوف را معرفی می کند. در نوشتار حاضر سعی شده که به اختصار «نقش الگوهای عملی در تربیت» که در قرآن کریم به عنوان یکی از مهم ترین شیوه های تربیتی مطرح شده مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم «الگو»

واژه «الگو» (۱) معادل و مترادف واژه «اسوه» در زبان عربی است. هر دو واژه «الگو» و «اسوه» را می توان هم به نمونه های انسانی اطلاق نمود و هم به شیوه و طرز عمل؛ یعنی می توان گفت: فلان فرد، اسوه یا الگوی سخاوت است و نیز می توان گفت: سخاوت، الگو و اسوه نیکویی است.

«اسوه، پیشوا، مقتدا، قدوه، پیشرو، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی و پیشوایی می گردد... نمونه پیروی و

اقتدا، سرمشق.» (۲) این واژه در اصل به معنای حالتی است که انسان به هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد و به عبارت دیگر همان تأسی کردن و اقتدا نمودن است. بنابراین، معنای مصدری دارد، نه معنی وصفی.

در قرآن کریم واژه «اسوه» سه بار به کار رفته که یک مورد آن درباره پیامبر اسلام (ص) است: «لقد كان لکم فی رسول الله اسوه حسنه...» (۳) قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا، سرمشقی نیکو است: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» و دو مورد درباره حضرت ابراهیم و پیروانش. (۴)

نقش «الگو» در هر یک از علوم و فنون و کمالات انسانی این است که از باب «ره چنان رو که رهروان رفتند»، جوینده را از تردید و سرگردانی در انتخاب مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین راه، نجات می‌دهد و جوینده، موانع و پیچ و خمهای دشوار و رموز موفقیت اسوه و مجموعه تجربه‌های راهگشای او را در اختیار گرفته و در پیش روی خود قرار می‌دهد. بنابراین، هر کس، در هر رشته و فنی که به دنبال آن است اگر بخواهد در آن زمینه خاص، رشد کرده و مقامهایی کسب نماید، انتخاب «اسوه و الگو» آن رشته برای او، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است.

نقش الگوهای عملی در تربیت

روش الگویی، بهترین و کارآمدترین شیوه، برای اصلاح و تربیت فردی و اجتماعی انسان است. خواسته اسلام و نظام تربیتی آن از مصلحان جامعه آن است که برای هدایت و تربیت مردم، تنها به تبلیغ و ارشاد گفتاری بسنده نکنند و پیش از همه و قبل از هر چیز، خود را از نظر اخلاقی و رفتاری،

به گونه‌ای براساس تعلیمات و معارف قرآنی بسازند که با کردار شایسته و فضایل اخلاقی خویش، دعوت‌کننده دیگران به صلاح بوده و خود در الگوی حسنه‌ای، برای سایر مردم باشند.

در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان العالم اذا لم يعمل یعلمه زلت موعظه عن القلوب كما یزل المطر عن الصفا» (۵)؛ هر گاه شخص عالم به مقتضای علم خویش عمل نکند، اثر موعظه اش همچون آب باران بر روی سنگ صاف از قلبهای مردم محو خواهد شد.

و نیز در روایات دیگری می‌فرماید: «کونوا دعاه الناس بأعمالکم و لاتکونوا دعاه بألستکم» (۶)؛ به وسیله کردار شایسته و اعمال نیک خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید.

الگو شدن در اخلاق و عمل و نقش اساسی آن در تربیت، دایره‌ای وسیع دارد. از کانون خانواده و تأثیر سرنوشت ساز رفتار پدر و مادر، بر فرزندان، تا معلمان و مربیان آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز

تعلیم و تربیت و رؤسای ادارات و نهادها و عالمان دین و در نهایت مسئولان عالی رتبه نظام را شامل می شود. اما اهمیت آن در مورد کارگزاران عالی نظام، بسیار درخور توجه است؛ زیرا اگر مجریان و مسئولان حکومت، افرادی صالح و عامل به وظیفه باشند، از باب «الناس علی دین ملوکهم» مردم به تدریج رو به صلاح خواهند رفت، ولی چنانچه آنان در تربیت و مراقبت از نفس خود، دچار غفلت و سستی شوند و به تن پروری و دنیاگرایی رو آورند، جامعه نیز به تدریج، لباس صلاح را از تن بیرون کرده و رو به تباهی خواهد گذاشت. آن گاه نصیحت ناصحان بی اثر و صالحان امت تضعیف و منزوی و غارتگران ارزشهای اسلامی و انسانی میدان دار، خواهند شد. امام علی(ع) می فرماید: «و لیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه» (۷)؛ احوال و اوضاع جامعه جز به صلاح کارگزاران و مدیران آنها سازمان نمی یابد.

برنامه های عملی، همیشه مؤثرترین برنامه هاست چون عمل، حکایت از ایمان عمیق انسان به گفتارش دارد و سخنی که از دل برآید بر دل نشیند. همیشه وجود الگوها و سرمشق های بزرگ در زندگی انسان ها وسیله مؤثری برای تربیت و پرورش روحی انسان ها بوده است، به همین دلیل، پیامبران و رهبران معصوم(ع)، هدایت و تربیت را با عملشان نشان می دادند.

قرآن می فرماید: نیکی آن نیست که چهره های خود را به (هنگام نماز) به طرف شرق و غرب متوجه سازید (و تمام گفتگوهای شما از مسئله قبله و تغییر قبله باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید)، بلکه نیکوکاران کسانی اند که به خداوند و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند. (۸)

در این آیه شریفه، خداوند متعال به جای این که «بر» بکسر را تعریف کند، «بر» به فتح را بیان کرده است. به جهت این که توصیف و تعریف کسانی باشد که دارای این صفت هستند و ضمناً اشاره به این است که مفاهیم خالی از مصداق، هیچ گونه ارزشی ندارد، و اصولاً روش قرآن این است که در هر مورد متوجه توصیف افرادی که واجد صفاتند می شود و به شرح مفهوم صفات، قطع نظر از دارندگان آن قناعت نمی کند. (۹)

در قرآن کریم از حضرت محمد(ص) و حضرت ابراهیم(ع) به عنوان «اسوه و الگو» و مقتدای بشر یاد شده است؛ چنان که می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه...» (۱۰)؛ قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا، سرمشقی نیکو است؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد و خدا را فراوان یاد می کند..

«قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه» (۱۱)؛ برای شما تأسی نیکی در زندگی ابراهیم(ع) و کسانی



که با او بودند، وجود داشت.

قرآن کریم در بعضی آیات به پیامبر می فرماید: انبیای گذشته را به یادآور که دارای صفات نیکو از قبیل اخلاص و صبر و مقاومت و شایستگی در عمل بودند. یا این که می فرماید: همه انبیاء از هدایت ما برخوردار بودند و از صالحان و شایستگان بودند، آن گاه بعد از ذکر آنها و صفاتشان می فرماید: بنابراین به هدایت آنها اقتدا کن: «و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) بخشیدیم، و هرکدام را هدایت کردیم و نوح را (نیز) قبلاً هدایت نمودیم، و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم، و این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم، و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس هر کدام از صاحبان بودند و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط و هریک را به جهانیان برتری دادیم، و از پدران آن ها و فرزندان آن ها و برادران آنها افرادی را برگزیدیم و به راه راست هدایت نمودیم؛ آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده، پس به هدایت آنها اقتدا کن.» (۱۲)

آری، برای تربیت معنوی و تزکیه روحی مردم ذکر نمونه و اسوه، امری ضروری است که قرآن کریم براین موضوع بسیار تاکید نموده و به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: به یاد پیامبران بزرگ باش که برخوردار از این صفات برجسته انسانی و واجد فضایل و مکارم روحی بودند؛ البته روشن است که مقصود اصلی خطاب به مؤمنان و گروندگان به اسلام است که درس مقاومت و پایداری و اخلاص و اعتقاد و عمل را از انبیا بیاموزند و گرنه پیامبر اکرم(ص) مقتدای تمام پیامبران و اولیا و معصومان(ع) است.

آدمی همیشه در پی آن بوده که انسان های نمونه و ایده آل را در جهان بیرون، مشاهده کند و با الگو گرفتن از آنان، رفتارهای فردی و اجتماعی خود را سامان دهد؛ زیرا آنچه که انسان ها را در مسیر پرورش استعدادهای خویش و سیر الی الله مدد می رساند و پیشرفت و ترقی را میسر می سازد، پیروی آگاهانه از اسوه ها و الگوهاست؛ چون انسان الگو و نمونه، راه های پرخطر و صعب العبوری که در پیش روی دیگر انسان هاست، به سلامت گذرانده و از پیچ و تابهای آن و آفت های مسیر، همراهان و دوستان راه، علل و نحوه شتاب گرفتن و یا کند شدن و دیگر مشکلات، به خوبی آگاه است. از این رو، گفته اند: مدل سازی رفتاری و انتخاب الگو، یکی از نیازهای اساسی انسان است.

خداوند متعال که خالق انسان است و بر تمامی نیازهای وی آگاهی کامل دارد، با برانگیختن پیامبران از میان خود مردم و معرفی پیشوایان معصوم(ع) و عالمان وارسته، این نیاز انسان را پاسخ گفته است. قرآن کریم نیز به صراحت

تمام، پیامبر اسلام(ص) را به عنوان الگو و اسوه معرفی نموده و می فرماید: برای شما در پیامبر(ص) تاسی و پیروی خوبی است، می توانید با اقتدا کردن به او خطوط زندگی خویش را اصلاح و در مسیر صراط مستقیم قرار گیرید. اصولاً یکی از روش های مهم تربیتی که مورد تاکید اسلام بوده و اکنون نیز مورد توجه روانشناسان واقع شده است، «روش الگویی» است؛ یعنی الگوپذیری از بزرگان در شئون مختلف زندگی.

امام صادق (ع) فرمود: «من زشت می دانم که مسلمانی بمیرد و تمام آداب و سنن رسول خدا (ص) را ولو یکبار انجام نداده باشد.» (۱۳)

الگوها، عامل تحرک انسان ها و پویایی حیات ایشان می شوند و جامعه را از ایستایی و یا عقب گرد باز می دارند: اسوه و الگو، قوه های خام و آرمیده درون انسان را به فعلیت در می آورد و استعدادها را نهفته را شکوفا می سازد و از خمودی و خفتگی جلوگیری می نماید. (۱۴)

قرآن کریم بر تحرک آفرینی و تأثیرگذاری اسوه ها تأکید بلیغی دارد، تا آنجا که علاوه بر ارائه اسوه های متعدد، به سبقت جویی در نیکی ها سفارش می کند: «فاستبقوا الخیرات» (۱۵) و نیز دعای مؤمنان راستین و بندگان حقیقی خدا را بازگو می نماید که از خدا خواهان مقام امامت متقین اند: «عباد الرحمن، کسانی اند که می گویند: خدایا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.» (۱۶)

اسوه ها، عامل پیشگیری از انحراف ها و خطاها بوده و با حضور چشمگیر و موثر خویش، جوی از ایمان و صلاح و پاکی پدید می آورند که خود به خود، اجازه ظهور جلوه های تباهی و انحراف را در جامعه نمی دهند. در تاریخ زندگانی پیشوایان و الگوهای دین، بسیار اتفاق افتاده است که انسانی بدکار، آهنگ کاری پلید را داشته، اما در اثر مشاهده حالات و رفتار آموزنده و پرمعنای الگوهای دینی به خود آمده و از زشتکاری و فساد انگیزی به سوی رفتار نیکو و خداپسند روی آورده است.

شایان ذکر است که تاسی به پیامبر (ص) و دیگر اولیای الهی که در قرآن به صورت مطلق آمده، تاسی و پیروی در همه زمینه ها را شامل می شود و به راستی اگر پیامبر (ص) و دیگر اولیا در زندگی ما «اسوه» باشند، در ایمان و توکلشان، در اخلاص و شجاعتشان، در نظم و نظافتشان، در زهد و تقوایشان، به طور کلی همه برنامه های زندگی مان دگرگون خواهد شد و نور و روشنایی سراسر زندگی ما را فراخواهد گرفت.

بعضی از الگوهای تربیتی در قرآن کریم

به رغم وجود عوامل محدود کننده انسان مانند وراثت، طبیعت و جامعه، انسان می تواند به اراده خود مسیر خویش را برگزیند و از حصار این عوامل در اطراف خود بیرون آید؛ حق این توانایی را پیدا می کند که سرنوشت جدیدی را برای جامعه و تاریخ خود رقم زند.

برای نمونه: قرآن کریم، همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهایی برای مؤمنان ذکر می کند. آنان با وجود محیط ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند. (۱۷)

قرآن به تأییدگیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و نسبت به تأثیرات هشدار می دهد. در مورد فرزند حضرت نوح(ع) خداوند به صراحت می فرماید: او از خانواده تو نیست؛ زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است. (۱۸)

خداوند متعال به ستایش از جوانان «اصحاب کهف» می پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند. (۱۹)

می توان گفت: اقدام شجاعانه جادوگران فرعون در زیر پا گذاشتن موقعیت اجتماعی خود و ایمان آوردن به حضرت موسی(ع) الگوی توبه حقیقی برای دیگران می شود. (۲۰)

به جهت اختصار چند نمونه از الگوهای قرآنی را فهرست وار ذکر می کنیم:

یوسف، قهرمان مقاومت در مقابل شهوت. (۲۱)

جوانان کهف، اسوه های مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت. (۲۲)

اسماعیل، نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا. (۲۳)

ابراهیم، الگوی فطرت جویی، عادت گریزی و بت شکنی. (۲۴)

نوح، الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین. (۲۵)

ایوب، قهرمان صبر و تحمل در شداید روزگار. (۲۶)

داود جوان، نمونه شهامت و شجاعت در مبارزه با طاغوت. (۲۷)

قرآن کریم، در همه این موارد می فرماید: «... اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن...» (۲۸)

۲۷۹۱

برترین الگوی تربیتی قرآن

قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص) را سرمشق و الگوی مطلق در همه ابعاد زندگی برای همه خداجویان و کسانی که اعتقاد به رستخیز دارند، معرفی می کند: «بی تردید، برای شما در همه ابعاد (چه در صبر و مقاومت و چه در دیگر اوصاف و افعال نیکو) اسوه و الگوی نمونه در (اقتدای به) رسول خدا (ص) است. برای آنها که به رحمت خدا و روز قیامت امیدوار باشند و یاد خدا بسیار می کنند». (۲۹)

قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام (ص) را به عنوان اسوه و الگوی تربیت مردم معرفی کرده و از او به عنوان صاحب «خلق عظیم» یاد نموده است: «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری». (۳۰)

آری، پیامبر گرامی اسلام (ص) به سبب «خلق عظیم» و «رحمه للعالمین» بودن، آینه مکارم اخلاقی برای همگان است، تا آنجا که بارها می فرمودند: «من فقط برای تکمیل و تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث گشته ام». (۳۱) و در آیه ذیل، خداوند در اوجی تماشایی، رسولش را به داشتن چشم محبت و رحمت و لطف همراه با شکیبایی با مؤمنان می ستاید و به حبیب مهربانش، حضرت محمد (ص) مباحث می کند: «بی تردید، پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که رنجهای شما بر او به عنایت ناگوار است». (۳۲)

قرآن کریم دستورات مختلفی به پیامبر اکرم (ص) می دهد که مقصود اصلی از آن دستورات، تربیت و ترکیه مردم است که مردم با عمل کردن به این دستورات و فرامین قرآن بتوانند به فضایل و مکارم اخلاق دست یابند. نگاه معنادار پیامبر اکرم (ص) که از سر عشق و علاقه به انسانها برمی خیزد، کافی است انسان را به حرکت درآورد و در صف بلال و سلمان و ابوذرها بنشانند.

امام علی (ع) می فرماید: «پیامبر (ص) هر روز یکی از مکارم اخلاقی خود را برای من آشکار می ساخت و مرا به پیروی از آن امر می کرد». (۳۳)

(مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

پانوشته ها در سرویس معارف موجود است.

۲۷۹۲